

تولید معاونت فرهنگی و اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد

مسجد رکن اصلی شهر اسلامی

نفی طاغوت، رکن سلبی توحید است. توحید دو بُعد اساسی دارد: ۱- سلبی ۲- ایجابی؛ بُعد سلبی توحید، نفی طاغوت و طواغیت است. صرف پذیرفتن ولایت و ربوبیت الهی کافی نیست، بلکه همراه با آن و بلکه پیش از آن باید نفی ولایت و ربوبیت طواغیت صورت گیرد، وگرنه با توحید منافات خواهد داشت. پس هر کجا توحید وجود داشته باشد، حتماً باید نفی طواغیت نیز همراه آن باشد؛ « وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ » (نحل / آیه ۳۶)

طاغوت، هر فرد یا جریانی است که ادعا دارد تدبیر و ربوبیت رتق و فتق امور آنها با اوست. هر کس چنین ادعایی داشته باشد طاغوت است. به این معنا، طاغوت می‌تواند مصادیقی ذومراتب در هر عصر داشته باشد. کدخدای یک دهکده می‌تواند مصداق و مرتبه‌ای از طاغوت باشد و بخشدار و فرماندار و استاندار و وزیر و رئیس و پادشاه هم می‌توانند مصداقهای دیگری از طاغوت باشند.

نکته مهم دیگر این که صرفاً نفی ذهنی طاغوت کافی نیست، بلکه باید به نفی عملی آن نیز پرداخت. مثلاً اگر هر روز مرگ بر آمریکا بگوییم اما برنامه زندگی خود را از او بگیریم و معتقد باشیم که اوست که می‌تواند مشکلات ما را حل کند و تسلیم او شویم تا مشکلات ما را حل کند، چنین نگاهی جز شرک عملی چیزی نیست.

در هر عصری باید مصادیق طاغوت را شناخت و به نفی عملی آن پرداخت. در رأس طواغیت جهان، امروزه آمریکا و صهیونیسم جهانی قرار دارند. در مراتب بعدی نیز طواغیتی قرار دارند تا جایی که در یک محله و دهکده نیز طواغیت وجود دارند.

مسجد چنانچه در نوشته‌های قبلی بیان شد، محل اظهار عبودیت است؛ اظهار عبودیت، عبادت نامیده می‌شود. همان‌طور که توحید دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است، عبادت و اظهار عبودیت نیز باید دارای دو جنبه سلبی و ایجابی باشد. نفی طواغیت، به عنوان جنبه سلبی عبودیت باید دائماً در مسجد به انحاء مختلف، تمرین و تلقین شود. حتی طواغیت محلی باید چنان از مؤمنین مسجدی محل حساب ببرند که جرأت طغیان و ظلم پیدا نکنند. توحید ایجاب می‌کند مؤمنین مسجدی هر محل، چنان به صورت یک شبکه منسجم و متحد باشند که مأوا و

مأمن هر مظلومی باشند و بتوانند در هر محله، حق مظلوم را استیفا نمایند. این همان توحید خالصی است که اسلام به دنبال آن است.

به معنای فوق الذکر، اسلام کاملاً دینی سیاسی است و مسجد به عنوان رکن اصلی شهر اسلامی کاملاً رویکردی سیاسی در دل خود دارد و جزئی از ذات آن است، نه چیزی عارضی که از بیرون بر آن دوخته شده باشد. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «بعضی‌ها مسجد را از مسائل سیاسی می‌خواهند بکلی برکنار بدارند. [می‌گویند] آقا شما وارد سیاست نشوید، کار خودتان را بکنید. یعنی بیایید همان نمازتان را بخوانید و بروید؛ فقط پیش‌نمازی محض. این همان سکولاریسم است.»^۱

مسجد، قلب شهر و محله است. قلب، مهمترین عضو بدن است که مایع و مایه حیات انسان، یعنی خون ناصاف را از کل بدن می‌گیرد و آن را تصفیه نموده به اقصی نقاط بدن می‌فرستد. حیات انسان وابسته به این عملکرد قلب است.

مسجد نیز نقش قلب در هر شهر و محله را دارد. انسان در شهر و محله با کثرات و آلودگی‌ها و ناخالصی‌ها مواجه می‌شود. باید در شهر و محله، مکانی تعبیه شود که این آلودگی‌ها را بزدايد و به انسان معنویت تزریق کند. حیات معنوی جامعه به چنین فرایندی وابسته است. انسان مؤمن در هر روز حداقل سه وعده به مسجد می‌رود و با عبادت و دعا و سجده و استغفار، گناهان خود را می‌ریزد و معنویتی به دست می‌آورد و آن معنویت را با خود به محل کار و زندگی می‌برد و به دیگر نقاط شهر و محله تزریق می‌کند. مسجد جامع در کل شهر و مسجد محله در هر محله چنین نقشی را دارد.

اگر قلب، ضعیف عمل کند خون به بسیاری از نقاط نمی‌رسد و آن نقاط با عفونت و بیماری و سردی مواجه خواهند شد. این عفونت پس از مدتی می‌تواند کل محله و شهر را فرا گیرد. مسجد نیز چنین است؛ اگر مسجد نقش سازندگی خود را ایفا نکند معنویت به نقاط مختلف محله و شهر نخواهد رسید و عفونت بی اخلاقی و بی معنویتی ابتدا بخشهایی از محله و شهر و سپس تمام آن را فرا خواهد گرفت.

پایان پیام/